

وابستگی متقابل بازرگانی و سرمایه گذاری مستقیم

خارجی در چین در طول دهه ۹۰

دکتر محمود هوشمند*

چکیده

این مقاله بر مسئله بازرگانی بین المللی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی که موتورهای رشد چین از زمان قبول سیاست درهای باز در اواخر سالهای ۹۰ بوده اند تمرکز می کند. با رشد سریع بازرگانی در طول دهه ۹۰، چین مزاد هائی را در تراز بازرگانی اش تجربه کرده که ماهینی ساختاری داشته و در ابتدا بوسیله استانهایی ساحلی در این کشور حاصل گردیدند. این کشور همچنین بعنوان یکی از دریافت کنندگان اصلی جریان سرمایه گذاری مستقیم خارجی جهانی در جهان ظاهر شده است. همچنین این مطلب به بحث گذاشته شده است که هر دوی این موارد به یکدیگر وابسته بوده و باید در شرایط استراتژی تجاری، که بوسیله تشکیلات اقتصادی چند ملیتی خارجی بکار گرفته شده اند در نظر گرفته شوند. یک چارچوب تحلیلی برای نشان دادن ماهیت و وسعت وابستگی متقابل بین بازرگانی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی (FDI) در چین ارائه شده است.

۲۱۲۷	۲۱۲۷	۲۱۲۷	۲۱۲۷	۲۱۲۷
۲۱۲۷	۲۱۲۷	۲۱۲۷	۲۱۲۷	۲۱۲۷
۲۱۲۷	۲۱۲۷	۲۱۲۷	۲۱۲۷	۲۱۲۷
۲۱۲۷	۲۱۲۷	۲۱۲۷	۲۱۲۷	۲۱۲۷
۲۱۲۷	۲۱۲۷	۲۱۲۷	۲۱۲۷	۲۱۲۷

* عضو هیأت علمی دانشکده علوم اداری و اقتصادی دانشگاه فردوسی مشهد

تلفن: ۰۵۱-۲۱۲۷۰۰۰۰

بحث فرار می‌گیرد. بخش ۵ وابستگی متقابل بین بازرگانی و ورود سرمایه‌گذارهای خارجی در چین را تجزیه و تحلیل و در عین حال یک چارچوب متفاوت برای تجزیه و تحلیل را ارائه می‌دهد. نتیجه‌گیری این مقاله در بخش ۶ بعنوان بخش پایانی ارائه می‌گردد.

۲- گرایشهای اخیر در تجارت چین

از زمان اتخاذ اقتصاد درهای باز، صادرات و واردات با سرعت بالایی افزایش یافته است. اما بر خلاف بیشتر دیگر اقتصادهای در حال توسعه که از کسری شدید حسابهای جاری و بدهی‌های همراه آن رنج می‌برند چین به میزان چشمگیری توانسته است موازنه تجاری خود را به مزاد در طول سالهای ۱۹۹۰ تبدیل کند. جدول ۲ موازنه بازرگانی چین را از سال ۱۹۷۰ نشان می‌دهد. اگر چه انتظاری رود میزان مزاد در آینده نزدیک بیشتر کاهش پیدا کند. چون این مسأله بوسیله بحران اقتصادی در شرق و آسیای جنوب شرقی که در سال ۱۹۹۷ آغاز شد تقویت می‌شود، این مزاد بازرگانی بعنوان یک پدیده ساختاری و نه یک افزایش ناگهانی موقتی در یک دوره کوتاه زمانی در نظر گرفته می‌شود. بنابراین پرسش مهمی که مطرح می‌شود این است که دلایل مزادهای کلان حسابهای جاری چیست؟

همانطور که در جدول نشان داده شده است. درجه بالایی از اختلاف منطقه‌ای وجود دارد به این معنی که منطقه ساحلی تقریباً ۸۵٪ از بازرگانی و ۷۸٪ از مزاد بازرگانی از دیدگاه اقتصاد کلان نرخ پس انداز بالاتر از ۳۰٪ سرمایه‌گذاری داخلی، اولین پاسخ به این سوال خواهد بود. هر چند چین افزایش خالص ورود سرمایه‌های خارجی را هم بصورت پرت فولیو و هم به صورت سرمایه‌گذارهای مستقیم خارجی تجربه کرده است. بنابراین یک توضیح قراردادی که نرخهای پس انداز و سرمایه‌گذاری را با پیروی از یک مدل ساده اقتصاد کلان مقایسه می‌کند ممکن است کافی نباشد، لذا توضیحاتی مکمل در بخشهای بعدی پاسخ کامل را ارائه می‌دهند.

جدول ۲: موازنه بازرگانی چین (میلیارد دلار آمریکا)

سال	صادرات	واردات	موازنه بازرگانی
۱۹۷۰	۲/۲۶	۲/۳۳	-۰/۰۷
۱۹۷۵	۷/۲۶	۷/۴۹	-۰/۲۳
۱۹۷۸	۹/۷۵	۱۰/۸۹	-۱/۱۴
۱۹۸۰	۱۸/۱۲	۲۰/۰۲	-۱/۹۰
۱۹۸۵	۲۷/۳۵	۴۲/۲۵	-۱۴/۹۰
۱۹۸۶	۳۰/۹۴	۴۲/۹۱	-۱۱/۹۷
۱۹۸۷	۳۹/۴۴	۴۳/۲۱	-۳/۷۷
۱۹۸۸	۴۷/۵۲	۵۵/۲۷	-۷/۷۵
۱۹۸۹	۵۲/۵۴	۵۹/۱۴	-۶/۶۰
۱۹۹۰	۶۲/۰۹	۵۳/۳۵	۸/۷۴
۱۹۹۱	۷۱/۸۴	۶۳/۷۹	۸/۰۵
۱۹۹۲	۸۴/۹۴	۸۰/۵۹	۴/۳۵
۱۹۹۳	۹۱/۷۴	۱۰۳/۹۶	-۱۲/۲۲
۱۹۹۴	۱۳۱/۰۱	۱۱۵/۶۱	۵/۴۰
۱۹۹۵	۱۴۸/۷۸	۱۳۲/۰۸	۱۶/۷۰
۱۹۹۶	۱۵۱/۰۶	۱۳۸/۸۴	۱۲/۲۲

منبع: کتاب سال آماری چین، ۱۹۹۷.

جدول ۳ توزیع منطقه ای صادرات، واردات و موازنه بازرگانی را نشان می‌دهد همانطور که در جدول نشان داده شده است، درجه بالایی از اختلاف منطقه ای وجود دارد به این معنی که منطقه ساحلی تقریباً ۸۵٪ از بازرگانی و ۷۸٪ از مازاد بازرگانی را به خود اختصاص داده است. در این منطقه استان گوانگ دونگ از اهمیت خاصی برخوردار بوده که تقریباً ۴۰٪ از کل صادرات و واردات و ۶۵٪ مازاد بازرگانی را به خود اختصاص داده است.

این درجه بالا از تمرکز در ارتباط با اختصاص سهم عمده ای از صادرات و واردات و مازاد تجاری به منطقه خاص از این کشور، سوالات متعدد و مهمی را در این ارتباط مطرح می‌کند. از جمله اینکه؛ جدا از مسأله نزدیکی این استان به هنگ کنگ آیا تفاوت‌های ساختاری دیگری بین گوانگ دونگ و دیگر استانهای ساحلی وجود دارد؟ آیا سایر استانهای ساحلی به رشد بالای صادرات در نتیجه تعمیق صنعتی شدن در این کشور دست خواهند یافت؟ آیا اثرات رشد سریع صادرات در گوانگ دونگ به دیگر استانها و مناطق هم سرایت خواهد کرد؟ و آیا هنگامیکه نرخ دستمزدها در گوانگ دونگ افزایش یابد صنایع در دیگر مناطق و استانها شکل خواهند گرفت؟ پاسخ دادن به همه این سوالات از محدوده این مقاله خارج است. اگر چه یک تجزیه و تحلیل دقیق از الگوی سرمایه گذاری خارجی در استان گوانگ دونگ و دیگر مناطق استانهای ساحلی ما را قادر خواهد ساخت که به تعدادی از این سوالات پاسخ دهیم.

جدول ۴ صادرات و واردات را بر مبنای کالاها نشان می‌دهد. همانطور که احتمالاً انتظار می‌رود الگوی تجارت چین نمونه شاخصی از رشد سریع یک کشور در حال توسعه با وفور نیروی کار ارزان را نشان می‌دهد. صادرات در صنایع نساجی و کفش متمرکز می‌شوند، که مهمترین منابع مازادهای بازرگانی هستند در مقابل کسری‌ها بیشتر در تولیدات تکنولوژی و سرمایه بر عمدتاً از صنایع ماشینی و صنایع تجهیزات الکتریکی بوجود می‌آیند. با این حال به استثنای صنایع روغن حیوانی و گیاهی و صنعت کفش، تفاوت‌ها بین واردات و صادرات در سطح صنعت آشکار و واضح نمی‌باشد. این امر نشان می‌دهد که درجه وابستگی بین صنعت و بازرگانی به جز از دو صنعتی که قبلاً از آن نام بردیم بسیار بالاست. بازرگانی افقی و عمودی در داخل صنعت و تجارت هر دو در کنار یکدیگر قرار دارند به عنوان مثال در صنایع الکتریکی و الکترونیکی تجارت افقی در داخل صنعت هنگامی اتفاق می‌افتد که، چین تولیدات نهایی با کیفیت پایین را صادر نماید و محصولات با کیفیت بالا را وارد کند در حالیکه درجه بالایی از بازرگانی عمودی در داخل صنعت در فرآیند صنایع صادرات که قطعات و تولیدات واسطه را وارد و کالاهای نهایی را صادر می‌کند وجود دارد.

جدول ۳: صادرات و واردات بر مبنای استان در سال ۱۹۹۶ (میلیارد دلار آمریکا)

تراز	واردات	صادرات	استان
			استانهای ساحلی مهم
۷/۹۲۵	۵۲۱۰۴۶	۵۹/۹۷۱	Guangdong
(/۶۴/۱۸)	(/۳۷/۱۵)	(/۳۹/۱۶)	(سهم Guangdong)
-۱/۶۲۲	۱۴/۷۵۷	۱۳/۱۳۵	Shanghai
۱/۶۳۰	۱۰/۳۲۴	۱۱/۹۵۴	Jiangsu
۱/۸۹۴	۸/۰۹۸	۹/۹۹۲	Shandong
۱/۰۲۰	۷/۴۳۱	۸/۴۵۱	Fujian
۲/۸۹۸	۵/۷۶۶	۸/۶۶۴	Zhejiang
۱/۰۲۸	۶/۲۷۲	۷/۳۰۰	Liaoning
-۴/۷۹۸	۹/۸۶۵	۵/۰۶۷	Beijing
-۰/۷۹۴	۵/۴۷۶	۴/۶۸۲	Tianjin
(/۷۷/۱۵)	(/۸۶/۴)	(/۸۵/۱۵)	سهم استانهای مهم ساحلی
			استانهای دیگر
-۱۵۰۶	۱/۸۳۲	۲/۳۳۸	Hebei
۱/۳۱۶	-/۴۲۰	۱/۷۳۶	Shanxi
-۰/۰۲۶	-/۱۵۱۷	-/۴۹۱	Inner Mongolia
-/۳۱۴	۱/۳۹۵	۱/۰۸۱	Jilin
۱/۷۳۴	۱/۳۹۲	۳/۰۲۶	Heilongjiang
-/۳۲۱	۱/۰۸۵	۱/۳۰۶	Anhui
-/۳۶۰	-/۴۱۷	-/۷۷۶	Jiangxi
-/۳۳۲	۱/۰۷۳	۱/۴۰۴	Henan
-۰/۳۷۱	۱/۶۸۵	۱/۴۱۴	Hubei
-/۶۶۳	-/۶۶۷	۱/۳۳۰	Hunan
-/۳۶۰	۱/۰۲۷	۱/۳۸۷	Guangxi
-۱/۱۵۳	۱/۵۵۳	-/۴۰۰	Hainan
-۰/۳۳۶	۲/۱۲۴	۱/۷۹۸	Sichuan
-/۱۴۷	-/۲۳۳	-/۳۸۰	Guixhou
-۰/۱۸۶	۱/۱۹۳	۱/۰۰۷	Yunnan
-۰/۱۲۸	-/۱۴۷	-/۰۱۹	Tibet
-/۱۴۸	-/۸۳۷	-/۹۸۵	Shaanxi
-۰/۰۵۳	-/۳۳۲	-/۲۷۹	Gansu
-/۰۱۴	-/۰۹۶	-/۱۱۰	Qinghai
-/۱۰۲	-/۰۶۱	-/۰۱۶۳	Ningxia
-۰/۴۵۰	-/۸۱۹	-/۳۶۹	XINJIANG
۱۲/۳۲۸	۱۳۸/۸۳۸	۱۵۱/۰۶۶	مقدار کلی در سطح ملی

جدول ۴: ارزش واردات و صادرات بر مبنای طبقه بندی کالاها

(آمار گمرک، آمریکا، میلیارد دلار ۱۹۹۶)

تراز	واردات	صادرات	کالاها
۳/۲۳۰	۰/۹۵۴	۴/۱۸۴	تولیدات حیوانی و حیوانات زنده
-۱/۳۱۳	۱/۶۹۵	۰/۳۸۲	روغنهای حیوانی و گیاهی، چربیها
۲/۶۶۶	۲/۴۱۰	۵/۰۷۶	آشامیدنیهای خوراکی، مشروبات الکلی، تنباکو
-۱/۸۶۱	۹/۲۳۳	۷/۳۷۲	مواد معدنی
۱/۹۸۶	۱۰/۴۱۳	۸/۴۲۷	مواد شیمیایی و تولیدات مرتبط
-۵/۸۳۱	۱۰/۲۵۱	۴/۴۲۱	مواد پلاستیکی، تولیدات کائوچویی و مرتبط
۲/۸۲۵	۲/۵۶۳	۵/۳۸۸	چرم و تولیدات مرتبط
۰/۴۸۲	۱/۵۷۱	۲/۰۵۳	چوب و تولیدات چربی
-۳/۲۱۱	۴/۲۳۶	۱/۰۲۵	کاغذ و فرآورده های کاغذی
۱۸/۲۸۶	۱۶/۶۸۳	۳۴/۹۶۹	مواد و تولیدات پارچه ای
-	(/۱۲۱-۱)	(/۲۳۱۱۵)	(سهام صنعت پارچه)
۸/۰۸۹	۰/۴۵۶	۸/۵۴۵	کفش، روسری (پوشش سر) و غیره
۱/۶۲۷	۱/۰۱۲	۲/۶۳۹	Gypsum، سیمان، سرامیک
۰/۲۲۹	۱/۰۴۹	۱/۲۷۸	مروارید، فلزات و سنگهای گرانبها
-۲/۲۶۴	۱۲/۶۷۱	۱۰/۴۷۰	فلزات پایه و تولیدات مرتبط
-۱۷/۹۵۹	۴۹/۰۲۸	۳۱/۰۶۵	ماشین آلات، تجهیزات الکتریکی
-	(/۳۵۱۳۱)	(/۲۰۱۵۶)	(سهام ماشین آلات و تجهیزات الکتریکی)
-۱/۱۶۹	۵/۳۵۰	۴/۱۸۱	تجهیزات حمل و نقل
۰/۵۴۳	۴/۶۴۴	۵/۱۸۷	ابزار و وسایل چشم پزشکی، پزشکی
۱۰/۲۶۶	۱/۲۱۳	۱۰/۳۷۹	مواد دیگر
۱۲/۲۲۸	۱۳۸/۸۳۸	۱۵۱/۰۶۶	کل

منبع: کتاب سال آماری چین، ۱۹۹۷

جدول ۵: بازرگانی خارجی چین با شرکای اصلی تجاری
(آمار گمرک، میلیارد دلار آمریکا، (%، ۱۹۹۶)

منطقه (کشور)	ارزش صادرات	سهم	ارزش واردات	سهم	تراز
آسیا	۹۱/۲۴۷	۶۰/۴	۸۳/۴۴۴	۶۰/۱	۷/۱۸۰۲
هنگ کنگ	۳۲/۹۰۶	۲۱/۷	۷/۱۸۲۸	۵/۶	۲۵۱۰۷۸
اندونزی	۱/۴۲۸	۰/۹	۲/۲۸۰	۱/۶	-۰/۱۸۵۲
ژاپن	۳۰/۱۸۷۵	۲۰/۴	۲۹/۱۸۴	۲۱/۰	۱/۶۹۱
مالزی	۱/۳۷۱	۰/۹	۲/۲۴۴	۱/۶	-۰/۱۸۷۳
فیلیپین	۱/۰۱۵	۰/۷	۰/۳۷۲	۰/۳	۰/۶۴۳
سنگاپور	۳/۷۴۹	۲/۵	۳/۶۰۱	۲/۶	۰/۱۴۸
کره جنوبی	۷/۵۱۱	۵/۰	۱۲/۴۸۲	۹/۰	-۴/۹۷۰
تایلند	۱/۲۵۵	۰/۸	۱/۸۹۰	۱/۴	-۰/۶۳۵
تایوان	۲/۱۸۰۳	۱/۹	۱۶/۱۸۲	۱۱/۷	-۱۲/۳۸۰
افریقا	۲/۵۶۷	۱/۷	۱/۴۶۴	۱/۱	۱/۱۰۳
اروپا	۲۳/۸۶۷	۱۵/۸	۲۷/۶۵۶	۱۹/۹	-۲/۷۸۸
بلژیک	۱/۰۴۳	۰/۷	۱/۰۲۳	۰/۷	۰/۰۲۰
بریتانیا	۳/۲۰۱	۲/۱	۱/۸۸۱	۱/۴	۱/۳۱۹
آلمان	۵/۸۴۵	۳/۹	۷/۳۲۴	۵/۳	-۱/۴۸۰
فرانسه	۱/۹۰۷	۱/۳	۲/۲۴۰	۱/۶	-۰/۳۳۳
ایتالیا	۱/۳۸۲	۱/۲	۳/۲۴۶	۲/۳	-۱/۴۰۸
هلند	۳/۵۳۹	۲/۳	۰/۹۱۹	۰/۷	۲/۶۲۰
روسیه	۱/۶۹۲	۱/۱	۵/۱۵۳	۲/۷	-۳/۴۶۱
امریکای لاتین	۳/۱۲۱	۲/۱	۳/۶۰۸	۲/۶	۰/۴۸۷
امریکای شمالی	۲۸/۳۰۲	۱۸/۷	۱۸/۷۲۵	۱۳/۵	۹/۵۷۷
کانادا	۱/۶۱۶	۱/۱	۲/۵۷۰	۱/۹	-۰/۹۵۴
ایالات متحده آمریکا	۲۶/۶۸۶	۱۷/۷	۱۶/۱۵۵	۱۱/۶	۱۰/۵۳۰
اقیانوسیه	۱/۹۶۲	۱/۳	۳/۹۳۶	۲/۸	-۱/۹۷۴
استرالیا	۱/۶۷۳	۱/۱	۳/۴۳۴	۲/۵	-۱/۷۶۱
زلاتدنو	۰/۲۳۱	۰/۲	۰/۴۰۳	۰/۳	-۰/۱۷۲
جمع کل	۱۵۱/۰۶۶	۱۰۰/۰۰	۱۳۸/۲۸۳	۱۰۰/۰۰	۱۲۰/۲۲۸

منبع: کتاب سال آماری چین ۱۹۹۷

جدول ۵ الگوی بازرگانی چین را بر مبنای شرکای تجاری اش نشان می‌دهد ظاهراً الگو به طور قابل توجهی از تجارب اقتصادی همسایگانی نظیر کره جنوبی و تایوان متفاوت است. به این معنی که سهم آمریکا با کمتر از ۲۰٪ تقریباً پایین است. سهم آسیا در تجارت کل چین بیشتر از ۶۰٪ در سال ۱۹۹۶ بود. در خلال فرآیند صنعتی شدن اقتصاد همسایه های چین نظیر ژاپن، کره جنوبی، تایوان و هنگ کنگ سهم صادرات به ایالات متحده آمریکا بویژه در مرحله ابتدایی توسعه صادرات بالاتر بوده است. در این ارتباط با نکته ای که قبلاً به آن اشاره شد توجه به نقش هنگ کنگ به عنوان مرکز بازرگانی در تجارت چین بسیار مهم و قابل توجه است. سهم صادرات مجدد نسبت به کل صادرات با هنگ کنگ از ابتدای سالهای ۱۹۵۰ کاهش یافت اما این نسبت بعد از سالهای ۱۹۷۹ که چین درهای اقتصادش را به روی تجارت سرمایه گذاری خارجی گشود افزایش نشان می‌دهد. در حال حاضر بیش از ۲۰٪ صادرات چین به سوی هنگ کنگ جریان داشته که بیشتر آنها از آنجا مجدداً به سایر نقاط جهان صادر می‌شوند. با این حال نسبت واردات از طریق هنگ کنگ بسیار کمتر است که یک عدم تراز بازرگانی عظیم را با هنگ کنگ بوجود می‌آورد. این امر همچنین تا حدودی کسریهای عظیم تجاری با تایوان و کره جنوبی را نیز توضیح می‌دهد. اگر صادرات از طریق هنگ کنگ در داخل کل صادرات قرار گرفته و محاسبه شوند، سهم آمریکا در صادرات چین افزایش بیشتری نشان خواهد داد. این رشد شدید مازاد تجاری برای ایالات متحده، آمریکا مساله قابل توجهی بوده و مشکلات تجاری متعددی را بین دو کشور بوجود آورده است. در طرف دیگر تراز تجاری با کشورهای اروپایی الگوی متنوع تری را نشان می‌دهد. و اگر روسیه جزء آنها نباشد سهم اروپا تقریباً شبیه سهم ایالات متحده آمریکا خواهد بود.

۳- افزایش ناگهانی سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در دهه ۱۹۹۰

اگر چه که ورود سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی به چین نرخ رشد مشابهی را مانند حجم بازرگانی در سالهای ۱۹۸۰ نشان می‌دهد روند ورود آنها از ابتدای سالهای ۱۹۹۰ افزایش بسیار سریعی را نشان می‌دهد. در سال ۱۹۹۳ چین به عنوان دومین کشور بزرگ در اختیار دارنده سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در دنیا مطرح گردید. و بعد از آن مرتباً سرمایه

گذاریهای مستقیم خارجی در این کشور افزایش چشمگیری را نشان می‌دهد. جدول ۶ سوددهی سرمایه گذاریهای خارجی در چین را از سال ۱۹۷۹ بطور خلاصه نشان می‌دهد و نکات قابل توجهی از این جدول استخراج می‌گردد.

جدول ۶: استفاده از سرمایه خارجی (میلیارد دلار آمریکا)

سرمایه گذاری خارجی			وامهای خارجی			کل		سال
ارزش حقیقی b	A ارزش قرارداد	C تعداد	ارزش حقیقی b	A ارزش قرارداد	C تعداد	ارزش حقیقی b	A ارزش قرارداد	
	۷/۷۴۲	۱۳۹۲	۱۱/۷۵۵	۱۵/۰۶۲	۷۹	۱۲/۴۳۸	۲۳/۹۷۸	۱۹۷۹-۸۳
۱/۲۵۸	۲/۶۵۱	۱۸۵۶	۱/۲۸۶	۱/۹۱۶	۳۸	۲/۷۰۵	۴/۷۹۱	۱۹۸۴
۱/۶۶۱	۵/۹۳۲	۳۰۷۳	۲/۶۸۸	۳/۵۳۴	۷۲	۴/۶۴۷	۹/۸۶۷	۱۹۸۵
۱/۸۷۴	۲/۸۳۴	۱۴۹۸	۵/۰۱۴	۸/۴۰۷	۵۳	۷/۲۵۸	۱۱/۷۳۷	۱۹۸۶
۲/۳۱۴	۲/۷۰۹	۲۳۲۳	۵/۸۰۵	۷/۸۱۷	۵۶	۸/۴۵۲	۱۲/۱۳۶	۱۹۸۷
۳/۱۹۴	۵/۲۹۷	۵۹۴۵	۶/۴۸۷	۹/۸۱۳	۱۱۸	۱۰/۲۲۶	۱۶/۰۰۴	۱۹۸۸
۳/۳۹۲	۵/۶۰۰	۵۷۷۹	۶/۲۸۶	۵/۱۸۵	۱۳۰	۱۰/۰۵۹	۱۱/۴۷۹	۱۹۸۹
۳/۴۸۷	۶/۵۹۶	۷۲۷۳	۶/۵۳۴	۵/۹۹۰	۹۸	۱۰/۲۸۹	۱۲/۰۸۶	۱۹۹۰
۴/۳۶۶	۱۱/۹۷۷	۱۲/۹۷۸	۶/۸۸۸	۷/۱۶۱	۱۰۸	۱۱/۵۵۴	۱۹/۵۸۳	۱۹۹۱
۱۱/۰۰۷	۵۸/۱۲۴	۴۸۷۶۴	۷/۹۱۱	۱۰/۷۰۳	۹۴	۱۹/۲۰۲	۶۹/۴۲۹	۱۹۹۲
۲۷/۵۱۵	۱۱۱/۴۳۶	۸۳۴۳۷	۱۱/۱۸۹	۱۱/۳۰۶	۱۵۸	۳۸/۹۶۰	۱۲۳/۲۷۳	۱۹۹۳
۳۳/۷۱۷	۸۲/۶۸۰	۴۷۵۴۹	۹/۲۶	۱۰/۶۶۸	۹۷	۴۳/۲۱۳	۹۳/۷۵۶	۱۹۹۴
۳۷/۵۲۱	۱۱/۲۸۲	۳۷۰۱۱	۱۰/۳۲۷	۱۱/۲۸۸	۱۷۳	۴۸/۱۳۳	۱۰۳/۲۰۵	۱۹۹۵
۴۱/۸۸۰	۷۳/۲۷۶	۲۴۵۵۶	۱۲/۶۷۰	۷/۹۶۰	۱۱۷	۵۴/۸۰۰	۸۱/۶۱۰	۱۹۹۶

a: مقدار کل سرمایه خارجی مورد توافق در قراردادهای امضا شده

b: مقدار کل سرمایه خارجی که واقعاً مورد استفاده قرار گرفته است.

c: تعداد پروژه

منبع کتاب سال آماری چین ۱۹۹۷

در ابتدا این نتیجه بدست می‌آید که بین ارزش قراردادی مورد توافق و جریان حقیقی ورود سرمایه‌های خارجی تفاوت‌هایی وجود دارد. با وام‌های خارجی بیشتر این تفاوت‌ها می‌تواند توضیح داده شود، از طریق فاصله بین زمان مورد توافق و زمانی که بصورت واقعی سرمایه به داخل کشور جریان پیدا کرده است. در ارتباط با سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی به طور متوسط فقط از ارزش قراردادهای مورد توافق به واقعیت تبدیل می‌شوند. ثانیاً در

ابتدای سالهای ۹۰ ورود سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی نسبت به وام‌های خارجی پیشی گرفته و افزایش نشان می‌دهد با در نظر گرفتن اینکه وام‌ها عموماً از طریق مسیرهای رسمی واداری انتقال داده می‌شوند، ورود سرمایه‌های شخصی در سالهای ۱۹۹۰ اهمیت بیشتری یافته چونکه شرکتها و کمپانیهای شخصی به اقتصاد چین اعتقاد و اعتماد پیدا نمودند. ثالثاً مقدار متوسط سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی بطور مداوم در سالهای ۱۹۹۰ افزایش می‌یافته است. در ابتدای دهه ۱۹۸۰ سرمایه‌گذاران کوچک و متوسط از هنگ کنگ و تایوان با فرهنگ و زبان نزدیک به هم اولین گروهی بودند که در گوانگ دونگ و فوجی یان اقدام به سرمایه‌گذاری نمودند. به محض اینکه سرمایه‌گذاران دیگر کشورها اعتماد و اعتقاد کافی را نسبت به اقتصاد چین پیدا نمودند ورود سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی از دیگر کشورها مخصوصاً ژاپن افزایش یافت و به همین نسبت اندازه متوسط سرمایه‌گذاریهای خارجی در چین افزایش نشان داد.

جدول ۷ توزیع سرمایه‌گذاری خارجی و وام‌های خارجی را در هر کدام از استانها در سال ۱۹۹۶ نشان می‌دهد. همانطوریکه در جدول نشان داده شده است وام‌های خارجی توزیع بکثرت تری در سرتاسر استانها نشان می‌دهد. در صورتیکه سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی با سهم ۸۲/۱٪ از کل فقط در استانها و مناطق اصلی ساحلی متمرکز گردیده‌اند. همانطور که جریانات تجاری استان کوانگ دونگ ۲۷/۹٪ از این مبلغ را به خود اختصاص داد. سرمایه‌گذاران اصلی و مهم در کوانگ دونگ تولیدکنندگان کوچک هنگ کنگی و تایوانی می‌باشند، در صورتیکه سرمایه‌گذاران اصلی در فوجی یان از تایوان بوده، بعنوان مثال کارخانجات و صنایع تاسیس شده بوسیله سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی هنگ کنگ در حدود ۶ میلیون کارگر را به استخدام خود در آوردند که تقریباً برابر با جمعیت خود کشور

جدول ۷: مقدار سرمایه خارجی استفاده شده بطور واقعی بر مبنای استان (میلیارد دلار آمریکا، ۱۹۹۶)

سرمایه گذاری مستقیم خارجی		وامهای خارجی	ناحیه
ارزش	کل سهم ملی (%)		
			استانهای مهم ساحلی
۱۱۱۷۵۴	۲۷/۹	۱۱۵۰۴	Guangdong
۲/۹۴۱	۹/۶	-۱۸۹۷	Shanghai
۵/۲۱۰	۱۳/۱	-۱۲۷۹	Jiangsu
۲/۶۳۴	۶/۳	-۱۲۳۸	Shandong
۴/۰۸۵	۹/۹	-۱۰۵۱	Fujian
۱/۵۲۱	۳/۷	-۱۱۱۴	Zhejiang
۱/۷۳۸	۴/۲	-۱۱۵۴	Liaoning
۱/۵۵۳	۳/۸	-۱۱۶۸	Beijing
۲/۱۵۳	۵/۲	-۱۰۸۴	Tianjin
(۳۴/۵۸۹)	(۸۲/۱)	(۳/۴۸۹)	کل
			استانهای دیگر
-۱۸۳۰	۲/۰	-۱۰۸۷	Hebei
-۱/۱۳۸	-۰/۳	-۱۰۶۱	Shanxi
-۱۰۷۲	-۰/۲	-۱۱۵۸	Inner Mongolia
-۱/۴۵۲	۱/۱	-۱۱۶۶	Jilin
-۱/۵۶۷	۱/۴	-۱۲۷۶	Heilongjiang
-۱/۵۰۷	۱/۲	-۱۲۳۰	Anhui
-۱/۳۰۱	-۰/۷	-۱۰۲۳	Jiangxi
-۱/۵۲۴	۱/۲	-۱۲۶۰	Henan
-۱/۶۸۱	۱/۶	-۱۴۱۸	Hubei
-۱/۴۴۵	۱/۸	-۱۰۱۲	Hunan
-۱/۶۶۳	۱/۶	-۱۱۱۸	Guangxi
-۱/۷۸۹	۱/۹	-۱۱۰۸	Hainan
-۱/۴۴۱	۱/۰	-۱۱۹۰	Sichuan
-۱/۰۳۱	-۰/۱	-۱۳۱۱	Guixhou
-۱/۰۶۵	-۰/۲	-۱۰۱۰	Yunnan
-	-	-۱۰۰۲	Tibet
-۱/۳۲۶	-۰/۸	-۱۰۴۱	Shaanxi
-۱/۰۹۰	-۰/۲	-۱۱۳۱	Gansu
-۱/۰۰۱	-۰/۰	-۱۰۰۹	Qinghai
-۱/۰۰۶	۰/۰	-۱۰۴۴	Ningxia
-۱/۰۶۴	-۰/۲	-۱۲۱۹	Xinjiang
۴۱/۸۷۸	۹۹/۴	۶/۳۶۲	کل استانی
-۱/۲۵۶	-۰/۶	۶/۳۰۷	وازرخانه ها و دیگر ادارات
۴۲/۱۳۵	۱۰۰	۱۳/۶۷۰	مقدار کل در سطح ملی

منبع: کتاب سال آماری چین، ۱۹۹۷

کنگ کنگ است. این مساله به آسانی با توجه به نزدیکی و مجاورت جغرافیایی و تشابه فرهنگی قابل توجه است. سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در دیگر مناطق بر حسب کشورهای منبع آنها الگوی متنوع تری را نشان می‌دهد.

جدول ۸ و ۹ توزیع سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در هر صنعت را بصورت جزا که در کتاب سال آماری ۱۹۹۷ چین منتشر شده است، نشان می‌دهد. همانطور که انتظار می‌رفت صنایع تولیدی و املاک و مستغلات و صنایع عام المنفعه بیشترین سرمایه‌گذاری خارجی را در سال ۱۹۹۶ به خود جذب کرده‌اند و در تقسیم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی حسب کشور هنگ کنگ بزرگترین منبع منحصر بفرد آن بود. ژاپن دومین سرمایه‌گذار بزرگ در سال ۱۹۹۶ بود که جهش قابل توجهی را نسبت به سالهای ابتدای دهه ۹۰ نشان می‌دهد. به این ممکن است بدلیل پویایی بوجود آمده در اقتصاد ژاپن در اوایل دهه ۹۰ و همچنین دلیل فرایند تصمیم‌گیری آگاهانه در شرکتهای ژاپنی و تلاشهای جهانی شدن شرکتهای بزرگ ژاپنی افزایش یافته که نتیجه آن بصورت افزایش سرمایه‌گذاریهای آنها در چین تحقق یافت.

جدول ۸: سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قرار داد شده بر مبنای بخش در سال ۱۹۹۶
(میلیارد دلار امریکا)

بخش	تعداد پروژه ها	ارزش
کشاورزی، جنگل بانی، پرورش حیوانات، ماهی گیری و منابع طبیعی آبی	۸۱۲	۱/۱۳۹
صنعت	۱۸۲۸۰	۵۰/۴۸۶
ساختمان	۳۸۷	۲/۰۰۱
حمل و نقل، خدمات پستی و خدمات مخابراتی	۱۹۶	۱/۵۹۹
بازرگانی، خدمات تهیه مواد غذایی، عرضه و بازار یابی مواد	۱۶۵۵	۲/۳۴۷
املاک و مستغلات، شرکتهای و خدمات عام المنفعه	۱۹۶۱	۱۲/۸۵۱
متلهای توریستی / جهانگردی	۸۱	۰/۲۹۱
مراقبت بهداشتی، ورزش و رفاه اجتماعی	۱۲۸	۰/۳۵۴
آموزش، فرهنگ و هنر	۶۳	۰/۱۷۱
تحقیق علمی و خدمات فنی	۱۲۴	۰/۱۷۵
دیگر موارد	۹۵۰	۲/۱۵۴
جمع کل	۲۴۵۵۶	۷۳/۲۷۶

جدول ۹: منبع سرمایه‌های خارجی استفاده شده به وسیله چین در سال ۱۹۹۶

(میلیارد دلار امریکا)

FDI و دیگر موارد	وامهای خارجی	کل	(کشور) منطقه
۴۲/۱۳۵	۱۲/۶۶۹	۵۴/۸۰۴	جمع کل
			آسیا
۲۰/۸۵۲	۰/۰۲۱	۲۰/۸۷۳	هنگ کنگ
۳/۶۹۲	۲/۴۰۵	۶/۰۹۷	ژاپن
۰/۶۰۶		۰/۶۰۶	ماکانو
۰/۴۶۰		۰/۴۶۰	مالزی
۲/۲۴۷		۲/۲۴۷	سنگاپور
۱/۵۰۴	۰/۰۶۲	۱/۵۶۶	کره جنوبی
۰/۳۲۸		۰/۳۲۸	تایلند
۳/۴۸۲		۳/۴۸۲	تایوان
			اروپا
۱/۳۰۲	۰/۰۹۸	۱/۴۰۰	بریتانیا
۰/۵۱۹	۰/۶۱۲	۱/۱۳۱	آلمان
۰/۴۲۵	۰/۲۹۶	۰/۷۲۱	فرانسه
۰/۱۶۹	۰/۱۷۳	۰/۳۴۳	ایتالیا
۰/۱۲۵	۰/۰۲۱	۰/۱۵۵	هلند
۰/۰۲۱	۰/۴۰۹	۰/۴۳۰	اسپانیا
			امریکای شمالی
۰/۳۲۸	۰/۱۲۲	۰/۴۵۰	کانادا
۳/۴۴۲	۱/۶۰۷	۵/۰۵۱	ایالات متحده امریکا
			اقیانوسیه
۰/۱۹۴	۰/۰۰۴	۰/۱۹۹	استرالیا
	۰/۰۲۲	۰/۰۲۲	زلاندنو
			سازمانهای بین المللی
	۱/۸۸۰	۱/۸۸۰	بانک جهانی
	۱/۱۰۲	۱/۱۰۲	بانک توسعه آسیایی

منبع: کتاب سال آماری چین، ۱۹۹۷

هیچ آماری رسمی از توزیع سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در صنایع مختلف از جمله بخش صنایع تولیدی از طرف دولت چین منتشر نمی‌شود. اما جدول ۱۰ مجموعه‌ای از توزیع سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی را بر حسب صنعت نشان می‌دهد. که این آمار از رسیها و ارزیابی داده‌ها در سال ۱۹۹۲ در تایوان بدست آمده است. نتایج ارزیابی نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاری‌های مستقیم ژاپنی‌ها در صنایع ساختمان و خدمات مهمتر و بیشتر بوده است. تقریباً ۶۵٪ از کل سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی را در بر می‌گیرد. سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی از دیگر کشورهای منبع نشان می‌دهد که به همین نسبت سهم قابل توجهی به صنایع تولیدی اختصاص یافته است. همانطور که انتظار می‌رفت سهم عمده‌ای از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انجام شده توسط هنگ کنگ و تایوان به صنایع سبک اختصاص پیدا کرده در صورتیکه سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی آمریکا و ژاپن صرف شکل‌گیری صنایع سرمایه‌بر گردیده‌اند.

شأنصهای سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در چین

در بخش ابتدائی این مقاله گفته شد که صادرات و واردات از گوانگ دونگ تقریباً ۴٪ از کل کشور را به خود اختصاص می‌دهد. در اینجا این سوال مطرح می‌گردد که دلایل بالا بودن میزان صادرات در گوانگ دونگ چیست. بعلاوه مازادهای بازرگانی در گوانگ دونگ بالغ بر ۶۵٪ کل کشور در سال ۱۹۹۶ بود و چرا گوانگ دونگ واردات زیادی ندارد. ضیح این مساله می‌تواند در ارتباط آن با سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در این استان باشد. در سال ۱۹۹۶ ۳۰٪ از کل سرمایه‌گذاری‌های خارجی در چین را به خود جذب کرده و در حقیقت همه استانها با رشد تجاری بالا سرمایه‌های خارجی قابل توجهی را به خود جذب نموده‌اند ولی آیا در ارتباط با میزان تفاوت جذب سرمایه‌های خارجی به مساله اوان این استان با سایر استانها ارتباط پیدا می‌کند یا خیر؟

قبل از اینکه به پاسخ گوئی در مورد این سئوالات بپردازیم ما سئوالات کلی تری را از شما می‌کنیم. اول آنکه چه چیزی روابط بین بازرگانی و سرمایه‌گذاری را در چین مشخص می‌کند. چه مسائلی سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی را تحریک کرده و اثرات آن بر

بازرگانی چیست؟ در این بخش تعیین کنندگان سرمایه‌گذارهای مستقیم خارجی مورد بررسی قرار گرفته و رابطه بین تجارت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در بخشهای پابانی مورد مطالعه دقیق قرار خواهد گرفت.

جدول ۱۰: توزیع سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در چین برحسب صنعت ۱۹۹۲ (%)

منبع FDI	تایوان	ایالات متحده	ژاپن	سنگاپور	دیگران	کل
صنعت						
کشاورزی و جنگل‌داری	۱/۶۲	۰/۸۰	۱/۳۳	۲/۰۷	۴/۳۵	۱/۸۰
تولید	۵۹/۱۲	۷۶/۷۲	۷۳/۷۱	۲۳/۹۳	۷۲/۳۲	۶۲/۱۲
غذاهای آماده، آشامیدنیها	۲/۷۲	۸/۰۹	۷/۷۱	۱/۴۳	۷/۵۶	۴/۱۳
تنباکو	۱/۱۸	۰/۸۶	۵/۷۷	۰/۰۷	۱/۵۷	۱/۳۳
منسوجات	۹/۵۹	۷/۹۲	۳/۳۳	۱/۱۵	۴/۹۲	۷/۵۹
پوشاک	۵/۹۸	۵/۱۲	۲/۲۴	۴/۱۲	۱/۸۲	۵/۱۴
تولیدات چوب و بامبو	۱/۲۵	۳/۳۱	۱/۱۱	۲/۸۴	۳/۶۸	۱/۸۵
تولیدات چرم	۲/۱۵	۱/۷۸	۱/۴۶	۰/۷۴	۱/۸۲	۱/۹۱
تولیدات کاغذ	۱/۹۳	۱/۳۹	۱/۷۴	۰/۳۲	۲/۴۱	۱/۷۵
مواد شیمیایی	۱/۸۸	۱/۷۲	۸/۷۲	۰/۷۴	۱/۷۹	۲/۱۳
تولیدات شیمیایی	۲/۰۱	۳/۶۴	۴/۷۵	۱/۳۲	۲/۶۰	۲/۲۴
بنزین و زغال سنگ	۰/۱۵	۰/۰۵	۰/۳۹	۰/۰۰	۰/۶۸	۰/۲۰
تولیدات کاتوجویی	۰/۴۱	۱/۴۳	۰/۶۹	۰/۰۵	۰/۵۲	۰/۵۱
تولیدات پلاستیکی	۵/۴۲	۹/۳۵	۲/۲۳	۰/۶۹	۸/۴۰	۵/۵۹
غیر فلزی						
تولیدات معدنی	۵/۲۲	۲/۵۱	۵/۸۲	۱/۳۶	۵/۲۹	۴/۶۸
فلزات پایه	۱/۱۸	۰/۸۵	۰/۶۶	۱/۸۵	۰/۳۵	۱/۲۴
تولیدات فلزی	۲/۸۲	۵/۲۵	۶/۹۴	۱/۰۷	۲/۶۲	۳/۱۳
ماشین آلات	۱/۱۰	۳/۵۹	۳/۱۳	۲/۳۴	۲/۹۹	۱/۷۵
وسایل الکتریکی	۹/۴۷	۹/۳۷	۹/۴۲	۳/۸۷	۶/۷۵	۹/۴۰
تجهیزات حمل و نقل	۱/۰۷	۱/۸۶	۳/۰۰	۳/۱۱	۷/۱۷	۱/۹۱
ابزار آلات ظریف و دقیق	۰/۸۲	۰/۸۱	۰/۵۹	۰/۳۹	۱/۱۱	۰/۸۰
تولیدات متفرقه	۲/۷۱	۷/۸۴	۳/۵۷	۰/۹۵	۳/۹۳	۳/۲۷
خدمات و ساختمان	۳۹/۲۵	۲۲/۴۸	۲۵/۵۰	۶۴/۰۱	۲۳/۱۳	۳۷/۰۹
جمع کل	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

چارچوب استفاده شده برای تجزیه و تحلیل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی متعلق به نمونه *Dunning's oli* (۱۹۷۷-۱۹۸۱) می‌باشد که سه شرط لازم برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را مطرح می‌نماید:

۱- مزیت حق مالکیت ۲- مزیت بین‌المللی شدن ۳- مزیت موقعیت.

یکی از مزایای چین در ارتباط با جذب سرمایه‌گذاری خارجی مزیت موقعیت جغرافیای این کشور است. در نظریات و کارهای اولیه *seo suh* (۱۹۹۸) و *sung* (۱۹۹۵) این مساله را به بحث گذاشتند که دو نوع از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بطور همزمان به داخل چین جریان یافته است: اولی هدفش استفاده از نیروی کار کم هزینه در این کشور بوده و دوم هدفش بدست آوردن بازار عظیم مصرفی چین بوده است. *sung* این مساله را تائید می‌کند و گزارش می‌دهد که اولین گروهی که در ارتباط با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اقدام نمودند هدفشان سرمایه‌گذاری در صنایع تولیدی کاربر در مقیاس کوچک بوده و گروه دوم هدفشان سرمایه‌گذاری در خدمات و صنایع تولیدی تکنولوژی و سرمایه‌بر با هدف بدست آوردن بازارهای داخل بوده است. نظر به اینکه هنگ کنگ و تایوان در هر دو نوع از این پروژه‌ها سرمایه‌گذاری نموده‌اند کشورهای توسعه یافته مانند آمریکا و ژاپن تمایل داشتند که سرمایه‌گذاریهای خود را فقط در نوع دوم تمرکز بخشند با توجه به اینکه شرکتهای خارجی مزیت حق مالکیت و بین‌المللی شدن برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در اختیار دارند آنها سرمایه‌گذاریهای خارجی خودشان را در کشورهایی انجام خواهند داد که از نظر موقعیت جغرافیایی در بهترین موقعیت در ارتباط با تولید قرار گرفته باشد. مطالب نوشته شده در این زمینه روابط عملیاتی زیر را از بین ورود سرمایه‌گذاریهای خارجی و دیگر متغیرهای که موقعیت مکانی را به اثبات می‌رساند نشان می‌دهد. (و ثبات، سرمایه‌انسانی، رقابت، میزان آزاد بودن اقتصاد، هزینه سرمایه، هزینه دستمزد، اندازه بازار) = سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی.

همچنانکه سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی بوسیله اندازه بازار با نزدیکی به یک بازار بالقوه بزرگ ایجاد می‌شود. سرانه واقعی تولید ناخالص داخلی برای بدست آوردن فرصت بازار مورد استفاده قرار می‌گیرند. در صورتیکه مقیاسهای جایگزین از قبیل جمعیت و

محصول ناخالص داخلی کشور میزبان نیز در نظر گرفته می‌شود. معمولاً حسابهای مربوط به دستمزد قسمت قابل توجهی را از کل هزینه‌های تولید را در صنعت کاربر را در بر می‌گیرد. از اینرو شرکتهای خارجی نیز با توجه به میزان دسترسی به نیروی کار ارزان در چین به سوی انجام سرمایه‌گذاری در این کشور جذب می‌گردند. شاخص‌های واقعی دستمزد نشان می‌دهد که چگونه سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در ارتباط با تغییر حقوق و دستمزد واکنش نشان داده و برایش اهمیت دارد. نرخهای بهره بالاتر استقراض سرمایه‌گذاران را گرانتر ساخته بنابراین مدل هزینه استفاده‌کننده ژاپنی، مدل استفاده‌کننده چینی از سرمایه است که باید بطور متفی با جریانات داخلی سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی مرتبط شود همانطور که در بخش قبلی بحث شد چین به افزایش قابل توجهی در زمینه صادرات از سال ۱۹۷۹ دست یافته است. و این مساله نتیجتاً به باز شدن بیشتر درهای اقتصادی این کشور انجامیده که بوسیله نسبت تجارت به تولید ناخالص داخلی سنجیده می‌شود. نه فقط میزان آزادی یک اقتصاد شرایط موثر بازرگانی را نشان میدهد که این امر ماهیت پویایی اقتصادی را نیز نشانگر می‌باشد.

نرخ ارزهای خارجی به طرق مختلف بر جریان سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی تاثیر می‌گذارد این مساله بر رقابت صادراتی کشور میزبان اثر گذاشته و علاوه بر آن اثر ارزشمند و غنی ارزش واقعی پائین تر پول رایج داخلی که از نقص اطلاعاتی از بازار سرمایه ناشی می‌شود وجود دارد که با ورود سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی مرتبط است. بنابراین ما نرخ مبادله یوان چین با دلار آمریکا را که بر مبنای سطوح قیمت نسبی تعدیل شده در نظر می‌گیریم. تا نرخ واقعی ارز را بدست آوریم سرمایه‌انسانی جذابتهای را برای شرکتهای خارجی بوجود می‌آورند مخصوصاً زمانی که هدف بهبود بازدهی باشد. نرخ ثبت نام در مدارس ابتدائی بعنوان شاخص برای قابلیت دسترسی به سرمایه انسانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. سرانجام نرخ تورم نیز برای نشان دادن ثبات اقتصاد کلان کشور میزبان مورد توجه قرار گرفته و محاسبه می‌شود.

بنابراین مدل اقتصادسنجی ما در یک شکل خط لگاریتمی اجرا شده و بر مبنای استفاده از روش عادی حداقل مربعات در طول دوره ۹۶-۱۹۸۰ تخمین زده می‌شود. اما به منظور اجتناب از مشکلات همزمانی رگرسیونها بر مبنای یکدوره تاخیر دارمی شود. چون متغیرها بصورت لگاریتمی بیان می‌شوند. به استثنای متغیرهای مجازی (SER)، ضرائب مشترک تخمین زده شده کششهای جزئی FDI داخلی با توجه به هریک از متغیرها می‌باشد.

$$LFDI_t = b_0 + b_1 LGDP_t + b_2 LWAGE_t + b_3 LOPEN_t + b_4 LPS_t + b_5 LCPI_t + b_6 LRXCB_t + e_t$$

علامتهای مورد انتظار ضرائب مشترک عبارتند از:

$$b_1 > 0, b_2 < 0, b_3 > 0, b_4 > 0, b_5 > 0, b_6 > 0$$

نتایج بدست آمده از دو مدل مختلف مدل کامل (مدل ۱) و مدل ترجیح داده شده (مدل ۲) در جدول ۱۱ ارائه می‌شود. نکات متعددی ارزش تاکید کردن بر آنها را دارند اولاً به نظر می‌رسد که ورود جریان سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی به چین در خلال این دوره عمدتاً مجبور بودند که از فرصتهای بازار بهره برداری نمایند (GDPP)، همچنانکه نشان داده شده است برای هر دو مدل ۱ و ۲ هنگامیکه متغیرهای مقیاسهای جایگزین فرصت بازار و جمعیت استفاده شده اند نتایج مشابهی حاصل گردید. ثانیاً شاخص حقیقی دستمزد (RW) همچنانکه انتظار می‌رفت منفی بود اما از مدل ۱ قابل توجه نبوده و فقط بطور حاشیه ای در مدل ۱ مطرح گردید، و در مدل ۲ در سطح ۱۰٪ نشانه های منفی بودن آن مشخص گردید. این فقدان اهمیت می‌تواند به دو طریق تفسیر شود علاوه بر این حقیقت که شاخص حقیقی دستمزد بر مبنای همه شرکتها در چین از جمله شرکتهای دولتی قرار داده نده بود. اولاً این امر به این مساله اشاره می‌کند که بازار نیروی کار چین یک مازاد عرضه نیروی کار دارد لذا افزایش در دستمزدهای واقعی از اهمیت زیادی برخوردار بوده اما تا امروز این مساله یک تاثیر حاشیه ای و جزئی بر جریان ورود سرمایه گذاریهای مستقیم داخلی در چین داشته است. ثانیاً

آنچه برای شرکتهای خارجی اهمیت دارد. سطح منحصر بفرد دستمزدهای واقعی نبوده بلکه بهره وری دستمزد واقعی بوده است. سرمایه انسانی، نرخ ثبت نام در مدارس ابتدائی (PS) با یک علامت منفی غیر قابل انتظار قابل توجه نیست. ثالثاً اثر نرخ واقعی مبادله ارز برای ورود جریان سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی در چین بسیار حائز اهمیت است. ضریب مشترک نه فقط علامت مورد انتظار را داشت بلکه کشش بسیار بالائی را نشان می داد. از اینرو نرخ واقعی ارز رقابت صادرات چین را افزایش داده و شرکتهای خارجی صادر کننده که آرزو داشتند از چین بعنوان یک پایگاه صادراتی استفاده کنند و با استراتژیهای جهانی شدن اقتصاد همگام بودند به خود جذب نمود. این جذابیت بوسیله اثر ارزشمند و غنی ناشی شده از ارزش پائین یوان چین که تامین مالی پروژه ها شرکتهای خارجی را در چین به نسبت آسان می ساخت تقویت گردید.

اما این امر که ثبات اقتصاد کلان و نرخ بهره در چین تاثیر منفی بر روی سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی در این کشور اثر منفی داشته است از نظر آماری حمایت نشده بود. نهایتاً متغیر مجازی SER مثبت و بسیار قابل توجه است. اشاره می کند به اینکه شرایط سرمایه گذاری آزادتر و فرصتهای سرمایه گذاری گسترده و وسیع در چین که از تغییرات در سیاست ورود سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی به داخل ناشی می شوند به ورود میزان متناهی از سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی انجامیده است

اثر بازرگانی سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی

در ابتدای این مقاله دو نوع سرمایه گذاری مستقیم خارجی به منظور شناخت شاخصهای آن: سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی بازار گرا (ناشی از تقاضا) و سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی تجارت گرا (ناشی از هزینه) مشخص گردیدند. اما در داخل سرمایه گذاری مستقیم خارجی ناشی از هزینه بر طبق ساختار نظامهای بازرگانی و رفتار آنها همچنانکه اثرات تجاری آنها نیز با یکدیگر متفاوت خواهد بود امتیازات بیشتری می تواند وجود داشته باشد.

جدول ۱۱: نتایج برآورد

متغیرها	مدل ۱	مدل ۲
ثابت	-۱۶/۵۹۲۴ (-۱/۵۵۴۲)	-۲۳/۳۴۹۹ (-۵/۴۱۳۴)
LGDP (-1)	۷/۰۸۱۴ (۳/۵۲۳۰)*	۶/۴۰۰۸ (۵/۲۴۲۴۰۹)*
LRXR (-1)	۶/۷۰۶۵ (۳/۷۲۲۴)	۵/۶۷۸۹ (۵/۲۴۷۸۹۴)*
SER	۰/۵۲۳۱ (۲/۰۸۹۴)	-۰/۷۵۷۲ (۵/۰۲۶۲۶۲)*
LRWI (-1)	-۴/۲۳۳۸ (-۱/۸۸۷۵)	-۳/۱۳۸۳ (-۱/۸۶۲۹)**
LINFL (-1)	-۰/۰۶۲۳ (-۰/۸۲۷۳)	-۰/۰۹۰۴ (-۱/۳۹۳۷)
LPS (-1)	-۱/۳۵۷۰ (-۱/۰۰۷۲)	-۰/۳۳۶۳ (-۰/۶۷۸۳)
R^2 تعدیل شده	۰/۹۸۶۱	۰/۹۸۷۰
S.E	۰/۱۵۳۵	۰/۱۴۸۵
AIC	-۳/۴۴۴۲	-۳/۵۲۴۸
آماری F	۱۴۳/۲۶۳۶	۲۱۳/۷۹۷۴
آماری DW	۲/۲۵۴۱	۲/۳۴۰۸
RESEAT	۰/۶۳۳۲	-۰/۱۸۹۴
LM(2)	۳/۹۵۴۷***	۱/۵۵۶۵
ARCH(2)	۳/۱۲۰۶***	-۰/۱۹۸۹
حالت عادی JB	۰/۵۰۴۸	۵۱۶۳

نوجه: * و ** و *** مفهوم آماری بترتیب در سطح ۱٪ و ۵٪ و ۱۰٪ را نشان می‌دهد.

ارقام در داخل پرانتزها به معنی T-VALUES می‌باشد.

منبع آمار: IMF ۱۹۹۷ کتاب سال آمار مالی بین‌المللی واشنگتن

زمانیکه یک بنگاه یک استراتژی جهانی را بعنوان بخشی از تلاشهایش به منظور کاهش هزینه‌ها و ارائه خدمات بیشتر به مشتریان بین‌المللی اش بر می‌گزیند زنجیره ارزش آن در بین بخشهای مختلف تقسیم شده و بنگاه محل ایده آل تولید را برای هر بخشی از این

زنجیره ارزش جستجوی نماید. سرمایه‌گذارهای شرکت‌های ژاپنی در شرق و آسیای جنوب شرقی در دهه ۹۰ مثالهای خوبی هستند. هنگامیکه مهمترین مزیت موقعیت مکانی در چین نیروی کار با هزینه پائین است بخش زنجیره ارزش که به سمت چین حرکت خواهد کرد به میزان زیادی کاربر خواهد بود خواه مونتاز نهائی باشد تولید قطعات و یا تولیدات واسطه‌ای در این مورد اعتلاف و یکپارچگی عمودی بین کشورهای میزبان و خودی اتفاق می‌افتد.

اثر این استراتژی جهانی بر الگوی بازرگانی متفاوت خواهد بود اما این امر به ماهیت نظامهای تجاری در کشورهای میزبان و خودی بستگی دارد این مساله ممکن است شکل تجارت داخلی شرکت یا تجارت داخلی صنعت را بپذیرد. اگر چه خصوصیات مشترک زیادی در نظامهای تجاری در شرق آسیا وجود دارد در بین آنها تفاوت‌های اصلی و مهمی نیز وجود دارد. هم شرکت‌های ژاپنی و هم مشاغل و تجارت‌های مختلف در چین بیشتر به منابع خارجی تکیه می‌نمایند در حالیکه شرکت‌های کره‌ای بیشتر تمایل دارند که زنجیره ارزش را در داخل نظام خود حفظ نمایند (وایت لی ۱۹۹۴ صفحه ۶۴ تا ۸۴). اما روابط بین شرکت مادر و بخشهای تولیدی فرعی و تولیدات واسطه‌ای در نظامهای بازرگانی ژاپنی و چینی متفاوت است. مزیت رقابتی شرکت‌های ژاپنی از روابط ثابت مداوم و دراز مدت آنها با شرکت‌های مربوطه ناشی می‌شود. در حالیکه مشاغل و تجارت‌های داخلی چین مزیت رقابتی اشان را با حداقل نمودن تعهدات طولانی مدتشان و حداکثر نمودن قابلیت انعطافشان حفظ می‌نمایند.

بیشتر تجارت و مشاغل داخلی چین معمولاً فقط یک بخش از زنجیره ارزش را تولید کرده و به شرکت‌های دیگری که سایر بخشهای زنجیره ارزش را تولید می‌کنند وابسته می‌باشد. بنابراین اثر تجاری سرمایه‌گذارهای مستقیم خارجی ناشی از هزینه وابسته به استراتژی بازرگانی در کشور خودی متفاوت خواهد بود. هنگامیکه یک شرکت بخشی از سرمایه‌اش را به خارج انتقال می‌دهد تجارت داخلی صنعت بین خود و کشور میزبان را افزایش خواهد داد. همچنانکه شرکت استفاده از بخشها یا دیگر تولیدات واسطه‌ای از شرکتها در کشور خودی را ادامه خواهد داد. و روابط دراز مدتی بین آنها حفظ خواهد شد. قبول یک داده و این مساله به چگونگی تاسیس شرکت‌های فرعی وابسته خواهد بود از طرف دیگر انتقال مشاغل و تولید به خارج ممکن است تجارت داخلی صنعت را در کوتاه مدت افزایش دهد اما این مساله در طول

زمان کاهش نشان خواهد داد به منظور افزایش انعطاف پذیری آنها و افزایش سود حاصله شرکتها ممکن است استفاده از سرمایه سایر شرکتهای داخلی و یا کالاهای تولیدی کارخانجاتی که کالاهای واسطه‌ای را تولید می‌کند را در سر لوحه کار خود قرار داده و با یکدیگر حرکت می‌نمایند در این مورد رابطه و تجارت بین کشور و کشورهای میزبان کاهش نشان خواهد داد.

جدول ۱۲ تغییرات در عملکرد منبع یا بی سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی تا یوانی در چین را در طول سالهای ۱۹۹۰ نشان می‌دهد. که این بحث را تایید و به اثبات می‌رساند. بر طبق جدول درجه منبع یا بی محلی بوسیله شرکتهای تایوانی در چین در سالهای ۱۹۹۰ به میزان چشمگیری افزایش یافته است.

جدول ۱۲: تغییرات در عملکرد منبع یا بی FDI تایوانی در چین، (٪) ۱۹۹۲-۹۵

فدراسیون صنعتی (۱۹۹۵) (n=285)	فدراسیون صنعتی (۱۹۹۴) (n=317)	Yen, Lin, Chung (۱۹۹۲) (n=431)	مطالعه و اندازه‌گیری نمونه عملکرد منبع یا بی
			خریدهای مواد خام، اجزا و قطعات (٪)
۳۶/۲	۴۷/۲	۷۱/۴	از شرکت تایوانی (یا شرکت مادر)
۴۰/۲	۲۹/۸	۱۶/۰	از شرکت محلی چینی
۱۰/۰	۱۱/۴	۴/۸	از شرکتهای محلی خارجی
۱۳/۶	۱۱/۶	۷/۲	از يك کشور ثالث
			خریدهای ماشین‌آلات و تجهیزات (٪)
۶۸/۵	۷۳/۰	۸۵/۷	از شرکت تایوانی (یا شرکت مادر)
۱۸/۳	۱۷/۰	۷/۴	از شرکتهای محلی
۱۳/۲	۱۰/۰	۶/۲	از يك کشور ثالث

سونگ همچنین گزارش می‌دهد که بخشی از سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی سرمایه‌بر و سنگین از تایوان با هدف حمایت از ایجاد صنایع صادراتی کاربرد در چین وارد این کشور گردید. برای مثال صنعت لباس و نساجی در مراحل اولیه به سمت چین حرکت کردند و صنایع شیمیایی و ماشینی بعداً دنبال آنها برای تهیه مواد خام و ماشین‌آلات بانندگی مورد نیاز شرکتهای تایوانی که تولیدکننده این کالاها بودند وارد این کشور گردیدند.

بنابراین سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی ناشی از هزینه بر طبق اثر آنها بر بازرگانی می‌تواند به دو نوع تقسیم شوند: شبکه‌محلی سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی (*LN-FDI*) و شبکه‌جهانی سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی (*GN-FDI*) جدول ۱۲ نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی از تایوان از سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی شبکه جهانی به سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی شبکه محلی تغییر یافته است. سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی شبکه جهانی صادرات قطعات و تولیدات واسطه‌ای را از کشور خودی به کشورهای میزبان و یا دیگر کشوری ثالث افزایش خواهد داد. در طرف دیگر سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی شبکه داخلی، افزایش واردات صنعت داخلی را برای کشورها میزبان به همراه نخواهد داشت. علی‌رغم کاهش صادرات کالاهای نهایی از کشور خودی سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی با شبکه جهانی صادرات کلی کشور خودی را بصورت اساسی تغییر نخواهد داد و ممکن است حتی موجبات افزایش آنها را فراهم آورد. اما سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی شبکه داخلی صادرات کشور خودی را کاهش و در طول زمان صادرات کشورهای میزبان را به صورت قابل توجهی افزایش خواهد داد مخصوصاً اگر صنایع صادرات‌گرا باشند.

خلاصه اینکه سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی ناشی از بازار واردات کالاهای نهایی را کاهش خواهد داد اما افزایش واردات قطعات و محصولات واسطه‌ای را به همراه خواهد داشت بطور کلی اثر آن بر بازرگانی از قبل مشخص نیست. اگر سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی ناشی از بازار بوسیله منع ورود کالا جذب شوند و درجه پائینی از اقدامات حمایتی برای تولیدات واسطه‌ای بکار برده شوند. این امر ممکن است موازنه بازرگانی را نسبتاً بدتر نماید. سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی شبکه جهانی نه تنها صادرات کشور

میزبان را افزایش می‌دهد بلکه همچنین افزایش واردات قطعات و تولیدات واسطه‌ای را به همراه خواهد داشت. بیشتر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی تولیدی ژاپنی‌ها در آسیای جنوب شرقی و شرق آسیا در سالهای ۱۹۹۰ در این طبقه بندی واقع می‌شوند. سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی شبکه داخلی می‌تواند صادرات کشور میزبان را بدون افزایش و تغییر مهمی در واردات افزایش داده و موازنه بازرگانی خارجی کشور خودی را با وضعیت نسبتاً بدتری روبرو سازد.

همانطوریکه در مورد چارچوب مربوط به اقتصاد چین بحث شد در این جا ما به موضوع تاثیر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی بر تجارت چین بر می‌گردیم جدول ۱۳ سهم واردات و صادرات انجام شده بوسیله بنگاهها و واحدهای تولیدی که با سرمایه‌های خارجی بوجود آمدند از کل فعالیتهای بازرگانی این کشور را نشان می‌دهد. مشاهدات متعدد مهمی می‌تواند صورت بگیرد اول آنکه سهم بازرگانی مربوط به سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی تقریباً در همه استانها در حال افزایش است.

در طی دو سال از سال ۱۹۹۴ تا ۱۹۹۶ سهم بازرگانی مربوط به سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در کل کشور از ۳۷٪ به ۴۷٪ افزایش یافت این افزایش بیشتر در صادرات بطور عینی مشهود است چونکه این رقم از ۲۸٪ به ۴۰٪ افزایش یافت. ثانیاً سهم صادرات مربوط به سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی اختلافانی بین استانهای ساحلی و سایر استانها را نشان داد در حالیکه سهم واردات مربوط به سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی تفاوتی چندانی را در استانهای مختلف نشان نمی‌دهد. ثالثاً حتی در استانهای ساحلی که سرریزاً در حال رشد می‌باشند سهم صادرات مربوط به سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی در گوانگ دونگ، فوجی یان و تیان جان خیلی بیشتر از سایر استانهای ساحلی می‌باشد این مساله نباید باعث تعجب گردد چونکه باید در نظر داشته باشیم که بیشتر سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی از هنگ کنگ و تایوان در گوانگ دونگ و فوجی یان تمرکز پیدا نموده اند.

در حال حاضر هر سه نوع از سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی ایجاد شده بوسیله بازار، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی شبکه جهانی و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی شبکه محلی بطور همزمان در سیستم اقتصادی چین فعالیت دارند.

جدول ۱۳: واردات و صادرات شرکتهای تاسیس شده خارجی بر مبنای استان
(سهم کل تجارت، واردات، صادرات بر مبنای استان)

۱۹۹۶	واردات		صادرات			کل			
	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	۱۹۹۶	۱۹۹۵	۱۹۹۴	
۵۴/۴۱	۴۷/۶۵	۴۵/۷۹	۴۰/۷۱	۳۱/۵۱	۲۸/۶۹	۴۷/۳۰	۳۹/۱۰	۳۷/۰۴	کل برای همه استانها
									استانهای ساحلی مهم
۵۸/۱۳	۵۵/۴۶	۵۲/۰۷	۵۱/۱۸	۴۳/۳۳	۳۷/۲۵	۵۴/۴۳	۴۹/۰۲	۴۴/۷۳	Gungdong
۶۳/۸۱	۵۶/۳۹	۴۸/۴۱	۴۱/۴۷	۳۰/۵۹	۲۶/۷۵	۵۳/۳۱	۴۳/۳۱	۳۷/۷۳	Shanghai
۷۷/۴۱	۶۱/۱۴	۵۵/۷۱	۴۲/۴۱	۳۹/۱۸	۲۹/۷۰	۵۴/۳۸	۴۳/۳۱	۴۲/۰۵	Jiangsu
۵۷/۵۰	۴۸/۰۲	۵۱/۷۹	۳۸/۵۵	۲۸/۱۰	۲۴/۴۲	۴۷/۰۷	۳۷/۱۸	۳۷/۱۶	Sandong
۶۷/۶۰	۶۷/۳۲	۷۲/۹۲	۵۳/۲۶	۴۳/۷۱	۴۷/۲۲	۵۹/۹۷	۵۴/۶۲	۵۹/۹۴	Fujian
۴۷/۹۱	۴۳/۸۶	۴۳/۲۲	۲۳/۳۶	۱۳/۴۱	۱۵/۹۴	۳۲/۷۹	۲۴/۰۶	۲۵/۱۵	Zhejiang
۵۰/۸۸	۴۳/۴۲	۳۹/۲۹	۴۳/۵۵	۳۳/۴۲	۳۱/۴۳	۴۶/۹۳	۳۸/۰۳	۳۵/۴۷	Liaoning
۲۲/۷۱	۱۷/۲۶	۱۸/۴۲	۱۹/۵۰	۱۱/۹۱	۱۲/۷۹	۲۱/۶۲	۱۵/۳۶	۱۶/۵۹	Beijing
۷۴/۲۹	۶۶/۲۱	۵۲/۱۵	۶۳/۰۳	۴۴/۷۹	۳۳/۵۰	۶۹/۱۰	۵۵/۶۳	۴۳/۶۸	Tianjin
									دیگر استانها
۴۸/۹۲	۳۳/۶۶	۳۵/۷۴	۲۲/۷۰	۱۳/۱۰	۱۴/۶۱	۳۴/۰۹	۲۲/۱۲	۲۳/۹۷	Hebei
۱۲/۶۱	۱۱/۸۸	۲۱/۴۶	۷/۲۵	۶/۴۵	۷/۲۶	۸/۲۹	۷/۵۳	۱۰/۵۲	Shanxi
۱۴/۳۲	۱۲/۵۵	۱۱/۳۹	۱۶/۱۸	۱۰/۱۶	۸/۷۴	۱۵/۲۳	۱۱/۶۲	۱/۷۵	Inner Mongolia
۴۳/۷۱	۳۷/۲۹	۲۸/۸۷	۲۴/۱۰	۱۷/۱۸	۸/۴۵	۳۵/۱۸	۲۹/۴۵	۱۸/۹۹	Jilin
۳۷/۲۲	۲۲/۴۸	۱۹/۲۵	۸/۰۲	۵/۴۳	۳/۹۲	۱۶/۷۶	۱۱/۴۸	۹/۱۰	Heilongjiang
۲۴/۳۰	۲۴/۵۱	۳۸/۲۸	۷/۶۲	۵/۲۹	۶/۵۸	۱۳/۴۵	۱۳/۴۶	۲۲/۹۵	Jiangxi
۳۷/۴۷	۳۷/۷۵	۳۷/۳۸	۱۵/۵۳	۷/۸۸	۸/۸۰	۲۵/۰۳	۱۷/۳۲	۱۸/۲۸	Henan
۵۰/۰۱	۳۷/۷۳	۳۱/۶۹	۲۰/۱۷	۱۰/۳۰	۱۰/۳۲	۳۶/۴۰	۲۴/۴۱	۲۱/۲۴	Hubei
۳۸/۸۳	۳۱/۸۹	۳۱/۶۷	۸/۱۰	۵/۰۶	۵/۰۷	۱۸/۳۳	۱۲/۱۷	۱۴/۷۲	Hunan
۴۲/۳۰	۳۴/۲۷	۳۸/۲۷	۱۹/۰۴	۱۳/۳۶	۱۰/۸۵	۲۸/۹۴	۲۴/۳۶	۳۷/۹۸	Guangxi
۳۶/۵۵	۳۶/۳۱	۳۳/۵۴	۱۷/۰۶	۱۲/۰۰	۱۲/۱۷	۳۲/۶۴	۳۰/۱۱	۲۹/۳۷	Hainan
۴۷/۵۵	۲۲/۱۹	۱۹/۲۲	۷/۳۰	۴/۴۷	۶/۲۷	۲۹/۱۰	۱۳/۰۵	۱۳/۹۹	Sichuan
۱۱/۰۰	۱۷/۴۶	۲۳/۸۹	۱۰/۹۶	۷/۲۹	۷/۲۴	۱۱/۰۶	۱۱/۹۹	۱۴/۵۸	Guizhou
۱۷/۸۶	۱۴/۸۲	۲۰/۲۲	۴/۳۳	۲/۹۲	۲/۹۰	۱۱/۶۲	۸/۷۵	۱۱/۱۲	Yunnan
۴۱/۷	۱۳/۸۷	۳/۰	۱۲/۲۴	۲/۳۶	۶/۴۶	۳۸/۰۹	۱۳/۱۰	۳/۲۷	Tibet
۳۲/۶	۱۷/۳۱	۱۹/۴۲	۸/۵۶	۴/۰۳	۵/۲۵	۱۹/۶۸	۱۰/۳۵	۱۷/۴۲	Shaanxi
۱۲/۷	۷/۹۱	۱۷/۹۲	۸/۶۵	۵/۶۹	۴/۶	۱۰/۸۳	۶/۹۲	۱۰/۵۱	Gansu
۰/۰	۰/۴۹	۱۰/۲۷	۷/۵۳	۵/۱۰	۳/۶۹	۴/۴۴	۳/۹۲	۵/۳۵	Qinghai
۲۷/۴	۶/۸۵	۲۷/۹	۱۲/۸۱	۵/۹۰	۶/۲۷	۱۶/۷۵	۶/۱۹	۱۴/۶۶	Ningxia
۶/۸	۷/۷۲	۵/۳۴	۱۱/۲۳	۵/۹۷	۷/۵۷	۸/۱۷	۷/۱۰	۶/۰۲	Xinjiang

منبع: جمع آوری شده از کتاب چین سال ۱۹۹۷

بیشتر سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی انجام شده توسط آمریکا و اروپا از نوع اول سرمایه‌گذاریها می‌باشند و سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی ژاپن و کره جنوبی در طبقه دوم قرار می‌گیرند و سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی هنگ کنگ و تایوان از نوع سوم به نوع سوم در حال تغییر می‌باشد.

در قسمت دوم این مقاله این سؤال برای ما پیش آمد که چگونه چین توانسته است با مزاد تجاری مثبتی با میزان قابل توجهی از سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی دست یابد. در تحلیل سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی توسط هنگ کنگ و تایوان به یافتن جوابی برای این سؤال کمک می‌کند. بیشترین مقدار سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی هنگ کنگ و تایوان در چین از نوع سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی شبکه محلی می‌باشند.

همچنانکه قبلاً توضیح داده شد این نوع سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی موجبات افزایش صادرات کشور میزبان و کاهش آن در کشورهای سرمایه‌گذار را فراهم می‌آورد (نگ ۱۹۹۶) این مساله را به بحث می‌گذاریم که افزایش چشمگیر در مزاد تجاری چین در وقت مزادهای منتقل شده از هنگ کنگ بوده است. بنابراین قابل تعجب نیست که صادرات مربوط به سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی از واردات مربوط به سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی سریعتر افزایش یافته و دیگر آنکه سهم واردات مربوط به سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی به نسبتاً در گوانگ دونگ نسبت به سایر استانهای ساحلی پائین تر است. که در جدول ۱۳ نشان داده شده است.

بنابراین تفاوتی موجود در عملکردهای بازرگانی و تجاری در استانهای گوانگ دونگ و فرجی یان و سایر استانهایی که سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی از دیگر کشورها مورد قوی و فعالی را در آنها دارند ضرورت دارد که نه فقط از حیث حجم بلکه همچنین از تفاوتی ساختاری نیز مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل قرار بگیرد.

با در نظر گرفتن آنکه واردات مربوط به سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی در سرتاسر استانها گسترده هستند احتمالاً این مساله ناشی از هر دو سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی می‌باشد از بازار سرمایه‌گذاریهای خارجی شبکه جهانی در ایالات ساحلی و بوسیله سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی ناشی از بازار در سایر استانها می‌باشد. به دلیل اینکه هیچ تفکیکی

از واردات مربوط به سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی به دو صورت نوع اول و دوم در آمارهای منتشره وجود ندارد بنابراین به سادگی نمی‌توان به این حقیقت پی برد که کدامیک از سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی عملکرد تجاری بازرگانی چین را تحت تاثیر قرار داده است و لذا تحقیقات مهم دیگری در حال انجام است.

نتیجه پایانی

در حالیکه چین به آزاد سازی شرایط سرمایه‌گذاری و تجاری اش در دهه جدید ادامه می‌دهد سهمش در جریانات سرمایه‌گذاری و تجارت جهانی نیز افزایش خواهد یافت. اما اینکه روند در سرمایه‌گذاریهای مستقیم خارجی و تجارت چه خواهد بود مساله‌ای است که باید به آن توجه شود.

هنک کنگ تا کنون ساختار جدید اقتصادی اش را کامل کرده و نقش مهمش را به نقش قدیمی اش یعنی مرکز بازرگانی و پیوند دهنده چین با بقیه دنیا تغییر داده است. بنابراین انتظار می‌رود که سرمایه‌گذاری‌های مستقیم تولیدی جدیدی در مقیاس بسیار بالایی از هنگ کنگ به طرف اقتصاد چین سرازیر گردد تایوان همچنین نیز در ارتباط با شکل دهی به ساختار جدید اقتصادی اش فعالیتهای قابل توجهی را انجام داده است. سهم تولید در محصول ناخالص داخلی از ۴۳/۶٪ به ۲۹٪ کاهش یافته است. بعنوان بخشی از کوششهایی که در ارتباط با ساختار دهی مجدد انجام گرفته مکان یابی جدیدی برای مشاغل اتفاق خواهد افتاد. اگر چه که ممکن است سرعت تدریجاً متوقف ولی مقیاس احتمالاً افزایش خواهد یافت. با توجه به اینکه CFB عمدتاً به حداکثر انعطاف پذیری و حداقل تعهدات دراز مدت تکیه می‌کند، سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی تایوان و هنگ کنگ احتمالاً انضمام عمودی شان را نه در مقیاس جهانی و نه در سرتاسر مناطق گسترده چین توسعه و افزایش نمی‌دهند. در عوض CFB در گوانگ دونگ و فوجی یان در منطقه در راستای یکپارچگی خویش گروههای خویش را تشکیل خواهند داد. واحدهای تولیدی در هنگ کنگ و تایوان به عنوان مراکز مالی مراکز تحقیق و توسعه و بازاریابی آنها خدمت خواهند نمود.

حتی اگر نرخهای دستمزد افزایش یابد کارخانجات موجود در گوانگ دونگ و فوجی یان به مناطق دیگر منتقل نخواهند شد. چون مهمترین مزایای موقعیت جغرافیایی مسائل فرهنگی، جغرافیایی، زبان و مجاورت می باشد. همچنین مزایای بازرگانی بوجود آمده بوسیله سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی ناشی از هزینه در سایر استانها و مناطق به اندازه گوانگ دونگ نخواهد بود. از طرف دیگر بنگاههای تولیدی تحت تاثیر استراتژی جهانی در منطقه بوجود آمده و افزایش خواهند یافت. با یک بازار جهانی مقدار بیشتری از زنجیره ارزش به مراکز تولید مرتبط با مزایای موقعیتی تقسیم و توزیع می شود. سرمایه گذاری مستقیم خارجی ناشی از بازار در موازات با افزایش آزاد سازی اقتصادی افزایش خواهد یافت اگر چه که تا کنون بعضی از ناکارائی ها در این زمینه مشخص شده اند. همچنانکه آزاد سازی اقتصادی ادامه پیدا می کند کارائی شرکتهای تاسیس شده بوسیله سرمایه گذاریهای مستقیم خارجی بهبود خواهند یافت در صورتیکه یک انتقال تدریجی در سرمایه گذاریهای مستقیم جدید خارجی از سرمایه گذاری های مستقیم خارجی تحت تاثیر بازار به سرمایه گذاری های مستقیم خارجی شبکه جهانی وجود خواهد داشت.

ژانل جامع علوم انسانی